

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

حزب کار ایران- توفان

۱۵ اکتوبر ۲۰۱۱

برخورد به امر قهر انقلابی

نقل از سند گزارش سیاسی حزب کار ایران (توفان) به کنگره چهارم حزب

در فردای انقلاب ایران روحانیت برای کسب کامل قدرت در ایران از هیچ جنایتی غفلت نکرد. آنها هزاران هزار انسان بی گناه را تنها به خاطر زهر چشم گرفتن سر به نیست کردند. حتی با قتل‌های درمانی شیوه های آدمکشی را به سطح یک تئوری پیشگیرانه برای حفظ قدرت سیاسی ارتقاء دادند. وجدانهای بشری و به ویژه وجدان ما ایرانیان از این همه خونریزی و تبهکاری و قساوت و بی رحمی حیوانی، از اینهمه بی عدالتی و انتقامجویی و خون آشامی، از این همه تصفیه حسابهای شخصی و ارضاء تمایلات حیوانی با توسل به زور و گردن کلفتی به عذاب آمده، در نهادمان مقاومتی در مقابل این همه خشونت بی انتها به وجود آمد. این مقاومت درونی کاملاً از نظر تاریخ قابل فهم است ولی از نظر علمی راه مبارزه با خشونت حیوانی طبقات حاکمه را با انکار واقعیت‌های اجتماعی نمی توان پیدا کرد. قهر را تنها با قهر می توان از بین برد. هیچ قهر ضد انقلابی و از جمله مذهبی خود به خود از بین نمی رود. یکی دیگر از موارد اختلافی که در اپوزیسیون ایران وجود دارد برخورد به مسأله قهر انقلابی است. کمونیستها همیشه بر این باورند که قهر مامای جامعه کهن در تولد جامعه نوین است. این نظریه بزرگ مارکس و انگلس محصول خیالپردازی دو اندیشمند بزرگ پرولتاریا نیست استنتاج از مبارزه طبقاتی بشریت در طی قرن‌ها می باشد. جایگزینی نظامهای اجتماعی تنها با قهر انقلابی مقدور بوده است. تاریخ بشر تاریخ مبارزه طبقات است که به انقلابهای انسانها به ضد مناسبات حاکم صورت گرفته است. همه انقلابات تاریخ بشریت محصول قهر انقلابی مردم است. مبارزه قهرآمیز ملت‌ها و توده های مردم بوده است که کمر استعمار جهانی را شکسته است. بدون این مقاومت قهرآمیز برای اخراج اشغالگران جنایتکار امکان رهائی ملی و کسب استقلال وجود نداشت. حزب ما هوادار قهر طبقاتی است. این قهر خارج از اراده ما در جامعه وجود دارد و نفی وی در سخنان و تئوری ها و نظریه ها به مفهوم فقدان آن در عمل نیست بلکه تنها به مفهوم انکار واقعیت در جامعه است. طبیعتاً هیچ طبقه اجتماعی که قدرت سیاسی را در دست دارد حاضر نیست به میل خود و با اقتناع از امتیازهای خویش دست بردارد. تاریخ حتی یک نمونه در اینمورد ندارد بلکه به عکس نمونه های فراوانی در جهت ارائه اعمال خشونت از جانب مدعیان مخالفت با خشونت دارد که هدفشان از طرح این مسائل تنها خلع سلاح معنوی طبقه

کارگر و نیروهای انقلابی است. در ایران دکتر محمد مصدق با یک انتخاب دموکراتیک بر سر کار آمد و به ضد استعمار انگلستان قد برافراشت. ارتجاع پاسخ وی را با خشونت بیرحمانه داد، وزیر امور خارجه اش دکتر حسین فاطمی را اعدام کرد و کمونیستها و نیروهای انقلابی را سینه دیوار گذاشت. در شیلی در یک انتخابات آزاد آئینده به قدرت رسید و ژنرال پینوشه به یاری سازمان "سیا"ی امریکا پاسخ وی را با خشونت بیرحمانه داد و آنگاه ده ها سال بیش از سی هزار نفر را به قتل رساندند و مبارزان را ربودند و سر به نیست کردند و سرانجام با یاری امپریالیستها از پینوشه تا آخرین روز حمایت کردند تا با خیال راحت و در آسایش به خاطر خدماتی که کرده بود عمرش را به پایان برساند. در اندونزی که سوکارنو رهبر ملی آنها آزادیهای دموکراتیک را برای فعالیت کمونیستها به رسمیت شناخته بود با کودتای امریکائی سوهارتو روبرو شد که وزیر امور خارجه اش را تیرباران کردند و سپس یک میلیون کمونیست را به یاری متعصبین مذهبی که امروز در مقابل امریکا قد علم کرده اند، سر بریدند.

پاتریس لومومبا در کنگو قانونا بر سر کار آمد ولی چون تسلیم امپریالیسم بلژیک نشد وی را کشتند و در اسید حل کردند و جنبش ملی کنگو را سرکوب کردند، مارتین لوتر کینگ یکی از رهبران ضد تبعیض نژادی در امریکا که مدافع عدم توسل به قهر برای تحقق خواستهایش بود با قهر نیروهای نژادپرست به قتل رسید و... در تمام این موارد و موارد مشابه ما شاهد آن هستیم که این نیروهای ضد انقلابی هستند که برای سرکوب مردم به قهر توسل جسته و تا لحظه ایکه خود در قدرت سیاسی هستند مدعی می شوند که قهر یک مقوله انحصاری است که فقط باید در خدمت دولت باشد. تجربه نشان می دهد که نیروهای خشونت طلب که با قهر ضد انقلابی مناسبات غیر انسانی و ظالمانه را حفظ می کنند و خود از آن بارها استفاده کرده و بازهم خواهند کرد پس از قبضه کردن قدرت سیاسی از دیو به فرشته بدل شده و همه را از توسل به قهر باز می دارند و در عرصه مبارزه ایدئولوژیک در نکوهیده شمردن قهر سرآمد عالمند. منظور آنها هیچ وقت قهر به طور کلی نیست. قهر طبقاتی که خود آنها با توسل به ماشینهای سرکوب و تحمیقی که دارند قهر محسوب نمی شود یک امر بدیهی برای حفظ نظام است ولی مقاومت در مقابل این سامانه ستمگری قهر محسوب شده به خشونت بارترین وضعی به آن پاسخ می دهند و با کسی شوخی ندارند.

ارتجاع طبقاتی برای این که جنبشهای دموکراتیک و اعتراضی را مهار کند برای آنکه مانع شود که حرکتی مدنی برای پایان دادن به نقض حقوق مدنی انسانها از حق مقاومت و توسل به زور برای کسب حقوق خویش به قهر انقلابی برخوردار شوند، برای این که در یک جنگ روانی ایده توسل به قهر را در نطفه خفه کند مستمرا به ضد قهر انقلابی تبلیغ می کند. مقولات اجتماعی نظیر آزادی و دموکراسی را از ماهیت طبقاتی خویش تهی می نماید به امر سرکوب ارتجاع با شعار مخالفت با اعدام با کتمان کردن ریشه های اجتماعی این پدیده و راه برافکندن قطعی آن در قالب عباراتی نظیر "ما با مرگ مخالفیم زنده باد زندگی" و "یا "تا کی باید خون ریخت"، "باید با اعدامهای جمهوری اسلامی با شعار نفی اعدام به طور کلی مبارزه کرد" و... دست ارتجاع خشونت طلب را در جاری ساختن نهرهای خون از خون نیروهای انقلابی و توده های مردم آزاد می گذارند و مردم را دلداری بیشرمانه می دهند تا برای رفع این وضعیت و پاسخ به ارتجاع به قهر انقلابی متوسل نشوند. تجربه جنبش ۲۲ خرداد نشان داد که ارتجاع حتی در مقابل خواستهای دموکراتیک و مسالمت آمیز نیز از توسل به قهر ضد انقلابی ابائی ندارد و باید مردم را برای مقابله با این وحشیگریها مسلح کرد.

ترحم بر پلنگ تیز دندان

ستمکاری بود بر گوسفندان

رهبران سازشکار در این جنبشها که اهدافشان مبارزه در چارچوب نظامهای حاکم است هراس دارند که با ترویج ایده‌توسل به قهر چنانچه مقبولیت عامه بیابد مجموعه نظام حاکم به خطر افتاده و سرنگون شود. به این جهت در برنامه و شعارهای خود راه توسل به قهر را رد می‌کنند و از فشار این جنبشها تنها برای کسب امتیاز برای طبقه یا قشر خویش در چارچوب وضعیت کنونی استفاده می‌نمایند. تبلیغات آنها رفرمیستی است. البته ایده توسل به قهر به معنی مسلح شدن قهرمانان و انجام عملیات تروریستی نیست، این درک معیوبی از قهر انقلابی و طبقاتی است. قهر باید در روند مبارزه اجتماعی مقبول مردم قرار گیرد و این آمادگی در آنان به وجود آید که برای نیل به اهداف خود آماده فداکاری و دادن قربانی با حداقل خسران باشند و در شرایطی توسل به قهر برای تحقق این آرمان اجتناب ناپذیر است.

حزب ما باید در آینده نیز برای اثبات حقانیت استفاده از قهر انقلابی مبارزه کرده و آنرا ترویج کند. حزب ما باید بکوشد با نظریاتی که می‌کوشند مقولات اجتماعی را که طبقاتی هستند به صورت لیبرالیستی به مفاهیم "بی ضرر" و غیر طبقاتی بدل کنند و مردم را فریب دهند مبارزه نماید.

بر گرفته از توفان شماره ۱۳۹ مهر ماه ۱۳۹۰ اکتبر ۲۰۱۱، ارگان مرکزی حزب کار ایران

www.toufan.org

صفحه حزب کار ایران (توفان) در شبکه جهانی اینترنت.

toufan@toufan.org

نشانی پست الکترونیکی (ایمیل).